

عنوان: اولویت های یادگیری مادام العمر در قالب سوادهای عصر حاضر از دیدگاه استادان و دانشجویان¹

چکیده:

هدف پژوهش حاضر، بررسی اولویت های یادگیری مادام العمر در قالب سوادهای عصر حاضر (اطلاعاتی، پژوهشی، تربیتی، رسانه ای، رایانه ای، زیست محیطی، سلامت، عاطفی، فرهنگی، مالی) است. این پژوهش از حیث هدف کاربردی، از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی و از نظر اجرا به صورت آمیخته (مصاحبه و پیمایش) انجام شد. جامعه آماری نیز شامل کلیه اساتید گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور و دانشجویان یادگیری الکترونیکی این دانشگاه در سال تحصیلی 96-97 است که تعداد 372 دانشجو و 86 عضو هیات علمی به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. در مرحله اول؛ پس از مطالعه ادبیات و پیشینه و انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته از متخصصان آموزشی مجموعه سوادهای عصر حاضر استخراج شد، سپس در مرحله دوم، دو چک لیست ویژه استادان و دانشجویان توزیع شد. نتایج آزمون فریدمن نشان داد که هر دو گروه استادان و دانشجویان سواد اطلاعاتی را به طور مشترک به عنوان اولین اولویت خود انتخاب کردند، بعد از آن سواد سلامت در رتبه دوم قرار گرفت، دانشجویان سواد عاطفی را به عنوان رتبه سوم انتخاب کردند در حالی که استادان سواد مالی را در رتبه سوم اهمیت دانستند، درخصوص رتبه چهارم نیز استادان و دانشجویان به طور مشترک سواد رسانه ای را انتخاب کردند، همچنین نتایج آزمون t -test مستقل برای مقایسه سوادهای مورد مطالعه از دیدگاه استادان و دانشجویان نشان داد که سوادهای مالی، رایانه ای، پژوهشی، تربیتی از دیدگاه استادان به صورت معنی داری دارای اهمیت بیشتر نسبت به دانشجویان است در حالی که سواد زیست محیطی و سواد عاطفی، از دیدگاه دانشجویان به صورت معنی داری دارای اهمیت بیشتر نسبت به استادان است، همچنین درخصوص سایر سوادها، تفاوتی مشاهده نشد؛ در نهایت نیز مدل مفهومی جهت اولویت بندی سوادها از نظر دانشجویان و اساتید، پیشنهاد شد.

واژگان کلیدی: یادگیری مادام العمر، استاد، دانشجو، سواد

مقدمه

¹ - این مقاله برگرفته از طرح تحقیقی است که با حمایت پژوهشکده آموزش باز و از راه دور دانشگاه پیام نور انجام شده است

در هزاره سوم به کمک فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات، علم به گونه ای برق آسا دامنه های خود را می گستراند و دگرگونی های فزاینده در ابعاد مختلف زندگی انسان ها ایجاد می کند (سامپایو، 2008)، به همین دلیل، فرایند یادگیری نیز نمی تواند در بزرگسالی متوقف شود، چرا که دانش کسب شده توسط افراد خیلی زود کهنه خواهد شد و نیاز به یادگیری مباحث جدید که برای زندگی عادی شهروندان یک جامعه مفید باشد، بیش از پیش درک می شود، از این رو یادگیری مادام العمر یکی از مهم ترین توانمندی هایی تبدیل شده است که جوامع امروز را قادر به توسعه ظرفیت های انسانی خود می نماید، لذا توسعه یادگیری مادام العمر در تمام جنبه های زندگی کنونی به عنوان یک چالش آموزشی عمده جهان امروز ظهور یافته است (مونگلی²، 2010). این مفهوم به عنوان اصطلاحی علمی، برای اولین بار در دهه 1960 از سوی یونسکو مطرح شد، این سازمان ضمن تاکید بر آموزش به عنوان یک حق و عامل اصلی توسعه کامل ظرفیت های انسانی، به این مطلب اشاره کرد که یادگیری مادام العمر تمام فعالیت های یادگیری در سرتاسر زندگی انسان را با هدف بهبود دانش، مهارت ها و شایستگی ها در یک چشم انداز فردی، مدنی، اجتماعی یا شغلی دربر می گیرد (کمیسون اروپا، 2008).

اهمیت مساله پرداختن به موضوع یادگیری مادام العمر آن است که به دلایل مختلف از جمله تغییرات روزافزون محیط بیرونی انسان ها و تبدیل جهان ملموس به جهان ناشناخته، پیچیده، غیرخطی و البته آشوبناک و غیرقابل پیش بینی، سبب شده تا نظام های تعلیم و تربیت کنونی نتوانند به نیازهای آموزشی جوامع در حال رشد فزاینده پاسخ مناسب دهند، لذا همچنان با چالش هایی برای همگام شدن با این پیشرفت ها وجود دارد و به توانمندسازی افراد برای تبدیل به شهروندان جهانی خلاق و پاسخگو و در نهایت دستیابی به توسعه پایدار از طریق شهروندان آگاه و مسئول کمک می نماید (گیسون³، 2008). چالش هایی که ذکر شد در نظام تعلیم و تربیت اغلب کشورهای جهان مغفول مانده است، حال آنکه در کشورهایی که تلاش شده تا یادگیری مادام العمر نهادینه شود مانند کشور ژاپن، شاهد آن هستیم که جامعه ژاپنی به سمت توسعه و پیشرفت فزاینده ای حرکت نموده است. درخصوص کشور ما به نظر می رسد آنچه سبب شده تا روند دستیابی به توسعه پایدار با سرعت کمتری محقق شود آن است که تلاش هایی که در زمینه یادگیری مادام العمر انجام شده است، عمدتاً به صورت پراکنده و با اهداف کوتاه مدت و برای مقاصد خاصی صورت گرفته است و تاکنون برنامه مدونی که یادگیری مادام العمر را به منظور جهت دهی به سمت توسعه پایدار حرکت دهد وجود نداشته است.

لذا به نظر می رسد چنانچه بتوان برنامه مدونی را درخصوص یادگیری مادام العمر تدوین نمود در این خصوص راهگشا می باشد اما مشکل دیگری که برای تهیه این برنامه وجود دارد آن است که خود مفهوم یادگیری مادام العمر نیز به

² - Mongelli

³ Gibson

عنوان مفهومی مبهم و منازعه برانگیز شناخته می شود، همچنین مفهوم یادشده بسیار نوباست و بسیاری از افراد و دست اندرکاران هنوز به جایگاهی که آموزش مداوم در بهبود مستمر نیروی انسانی خواهد گذاشت پی نبرده اند، البته همانطور که ذکر شد تلاش هایی به طور پراکنده در حال انجام است به عنوان مثال در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سازوکارهایی جهت آموزش مداوم برای افراد در نظر گرفته است، همچنین ادارات و وزارت خانه های دیگر نیز تلاش هایی را تحت عنوان دوره های ضمن خدمت داشته اند، اما از آنجایی که مفهوم فوق الذکر وسیع تر از فعالیت هایی است که تاکنون انجام شده است، به نظر می رسد توجه کافی به یادگیری مادام العمر به ویژه در بحث سوادهایی که امروزه از سوی یونسکو مورد توجه قرار گرفته اند و برای زندگی در جامعه مدرن امروز لازم می باشند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بنابراین با توجه به اهمیت ویژه یادگیری مادام العمر در آموزش بزرگسالان و توجه به این مفهوم در سازمان های جهانی مانند یونسکو، این پژوهش با توجه به نیازهای تخصصی، مهارتی و عمومی (زندگی) بزرگسالان پس از آموزش رسمی، با استناد به آموزه دینی "اطلبوا العلم من المهد الی اللحد" به دنبال بررسی اولویت های یادگیری مادام العمر با توجه به فرهنگ، ملیت و نیازهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورمان می باشد تا در راستای تحقق یادگیری مادام العمر قشر دانشگاهی گام بردارد.

دانشگاه به عنوان یکی از نهادهای اصلی محل اشتغال و تحصیل بزرگسالان شناخته می شود. بنابراین توجه به نیازهای یادگیری مادام العمر استادان و دانشجویان آن می تواند راهگشای تدوین برنامه های آموزش غیررسمی برای این دو قشر فرهیخته جامعه باشد، بنابراین توجه به نیازهای بر این اساس سوالات اصلی پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

- 1- اولویت های یادگیری مادام العمر از نظر استادان دانشگاه بر اساس سوادهای عصر حاضر (اطلاعاتی، پژوهشی، تربیتی، رسانه ای، رایانه ای، زیست محیطی، سلامت، عاطفی، فرهنگی، مالی) چگونه است؟
- 2- اولویت های یادگیری مادام العمر از نظر دانشجویان بر اساس سوادهای عصر حاضر (اطلاعاتی، پژوهشی، تربیتی، رسانه ای، رایانه ای، زیست محیطی، سلامت، عاطفی، فرهنگی، مالی) چگونه است؟
- 3- تفاوت میان اولویت در سوادهای عصر حاضر (اطلاعاتی، پژوهشی، تربیتی، رسانه ای، رایانه ای، زیست محیطی، سلامت، عاطفی، فرهنگی، مالی) در بین اساتید و دانشجویان چگونه است؟

بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می دهد مفاهیم یادگیری مادام العمر و شهروندی به مطالعات کومبس و همچنین لینگراد بر می گردد و پس از آن در گزارشات یونسکو در مورد یادگیری برای زیستن و یادگیری به عنوان گنج درون

دنبال شده است (کمیسیون ملی یونسکو، 1391). این مفهوم بر آن تاکید دارد که یادگیری در سراسر زندگی انسان ها در جوامع دموکراتیک لازم است و آموزش نباید به یادگیری رسمی ختم شود بلکه بزرگسالان نیازمند آن هستند که به یادگیری در سرتاسر زندگی خود دسترسی داشته باشند. بنابراین تحقق یادگیری مادام العمر، ماموریت محوری مؤسسات آموزش عالی است. مؤسسات و دانشگاه ها با اطمینان از اینکه افراد، توانمندی های فکری لازم را برای استدلال و تفکر انتقادی از این که افراد، توانمندی های فکری لازم را برای استدلال و تفکر انتقادی کسب کرده اند و با کمک به آنان در ساختن چارچوبی برای اینکه چگونه یاد گرفتن را یاد بگردند، مبانی رشد مستمر در حیات شغلی و نیز ایفای نقش به مثابه شهروندان و اعضای آگاه جامعه را در اختیار آنان می گذارند (نسیت، 2007).

شواهد دال بر تغییر برخی از مؤسسات و دانشگاه ها در راستای ایفای این نقش وجود دارد. تعدادی از مطالعات درخصوص یادگیری مادام العمر در کشورهای مختلف، نشان دهنده چگونگی تغییر نظام های آموزش عالی در جهت برخوردی مناسب با برخی از نیازهای یادگیرندگان مادام العمر است و این تغییرات بر جنبه های گوناگونی همچون سیستم اجرایی دانشگاه، بودجه بندی، منابع، طرح ریزی و ارتباطات اجتماعی مختلف موثر است (نسیت، 2007، کرب، 2005، مارکز⁴، 2007).

آموزش عالی طی دهه های اخیر با مزیت قابل توجه وجود اندیشمندان و دسترسی به تجهیزات پیشرفته برای تجربه، تدریس و یادگیری، برتری خود را حفظ کرده و همانطور که کنایر و کروپلی بیان می نمایند، دانشگاه ها به دلیل نقش مهم در کمک به تشکیل سیستم یادگیری مادام العمر، نیازمند توجه و رسیدگی شایسته ای هستند، این امر ناشی از آن است که دانشگاه ها، ارزش ها و شیوه های عمل را در بسیاری از ابعاد جامعه تحت تاثیر قرار می دهند. از جمله این تاثیرات آن است که از سویی جوامع به طور فزاینده مبتنی بر دانش شده اند و از سوی دیگر، دانش موضوع اصلی دانشگاه هاست (همان منبع).

تحولات سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات⁵ در دهه اخیر، جهان را با یک بیسوادی⁶، به تعبیر جدید، و نیاز همه گیر به بازآموزی و یادگیری مواجه ساخته است. به قول آلوین تافلر⁷ امروزه مفهوم سواد، دیگر توان خواندن، نوشتن و حساب کردن نیست. در قرن بیست و یکم، بی سوادان آنهایی نیستند که نمی توانند بخوانند یا بنویسند، بلکه کسانی هستند که نمی توانند یاد بگیرند و نیازهای یادگیری جدید خود را رفع کنند.

⁴ Marks

⁵ - Information and Communication Technology

⁶ - Illiteracy

⁷ - Alvin Toffler

امروزه علاوه بر مفهوم سنتی سواد، مفاهیم جدیدی تحت عنوان سواد چندگانه مطرح است که عبارتند از:

سواد اطلاعاتی؛ سواد اطلاعاتی عبارتست از ایجاد توانایی در افراد تا بتوانند تشخیص دهند چه وقت به اطلاعات نیاز دارند، همچنین توانایی ذخیره کردن اطلاعات، ارزشیابی و استفاده مؤثر از آن را در زمان نیاز داشته باشند (بختیاری و همکاران، 1393). سواد اطلاعاتی پایه و اساس یادگیری مادام العمر را فراهم می آورند و از ارکان کلیه سطوح تحصیلی و تمام محیط های یادگیری است (شریفی و اسلامی، 1395). این سواد موجب می شود تا فراگیران جستجوگری های خود را توسعه بخشیده و به یادگیری خودگران دست یابند. انجمن کتابداری آمریکا در بیانیه ای تعریفی برای جامعه سواد اطلاعاتی جهانی در قرن 21 ارائه کرده اند که در آن سواد اطلاعاتی قابلیتی برای جستجو و تاثیرگذاری روی منابع اطلاعاتی کاربران، شامل چگونگی استفاده از دانش و فناوری ها و اشکال در اطلاعات ذخیره شده عنوان شد (مهری، 1386).

سواد پژوهشی؛ نیز مهارت کاربست آگاهی از فرآیند پژوهش و مهارت های لازم در هر مرحله از آن در دانش پایه علوم مورد نیاز زندگی انسان (ساکی، 1392). نهادهای سازی سواد پژوهشی، موجب بهبود قدرت انتخاب و تصمیم گیری افراد در زندگی می شود. جمع بندی از دیدگاه ها و نتایج پژوهش ونگ و ونگ، کوکران و لایتل، استرانج، تیوکر و هیدمن و مارزانو، مارزانوس و پایکرینگ، نقش برجسته پژوهش بهبود عملکرد زندگی افراد را نشان می دهد (مارزانو و همکاران، 2003 و کوکران و همکاران، 1992).

سواد تربیتی؛ عبارت است از توانایی تربیت فرزندان به نحو شایسته (طالب زاده و همکاران، 1391) به گونه ای که فرزندان بتوانند طی فرایند اجتماعی شدن با جامعه سازگار شوند که این امر مستلزم تقویت روحیه همکاری، روشن بینی در برخورد با افکار و عقاید مخالف، رغبت برای انجام کارهای جمعی، قبول مسئولیت در کارهای جمعی، تمایل به معاشرت با دیگران و احترام به عقاید دیگران است (گل محمدی، 1383).

سواد رسانه ای؛ سواد رسانه ای، توانایی واری و تحلیل از میان پیام هایی است که به اشکال مختلف هر روز به ما منتقل می شود (ارجمندی، 1384، ساروخانی و رضایی قادی، 1391). این توانایی موجب می شود مهارت های تفکر

انتقادی، همه رسانه ها را در بر گیرد (دنگ و همکاران، 2013، از کان و همکاران، 2012). همچنین سواد رسانه ای درباره پرسیدن سوال هایی مربوط به آنچه که وجود دارد و توجه به آنچه که نیست می باشد (وایت ورث، 2012، ون ده ورد، 2010). به عبارتی نوعی غریزه است؛ اینکه پرسیم چه دروغی پشت تولید رسانه ها نهفته است (انگیزه، پول، ارزش ها و مالکیت) و آگاه شویم چطور این عوامل تاثیر گذارند، از نظر بعضی کارشناسان، سواد رسانه ای به معنای فراگیری چگونگی تولید پیام با استفاده از رسانه های چاپی، سمعی، بصری و ... است (مزینانی، 1393).

سواد رایانه ای؛ توانایی درک و استفاده از اطلاعات در اشکال چندگانه از یک گروه از منابع کامپیوتری است (گیلستر⁸، 2007)، به این ترتیب، این سواد به مفهوم جدیدی از تعلیم و تربیت اشاره دارد که بسی توانا تر و غنی تر از مفاهیم پیشین تعلیم و تربیت، اعم از گونه های پیشین سواد و نیز مفهوم گفتگویی تعلیم و تربیت است، بر این اساس گارمن و فرو⁹ (2000) عقیده دارند که سواد رایانه ای ما را برای انقلابی در تعلیم و تربیت آماده خواهد کرد، همان گونه که گونه های پیشین سواد نیز به نوبه خود، منشا چنین تحولاتی بوده اند

سواد زیست محیطی؛ سواد زیست محیطی مهارت دریافت دانش از طبیعت، فهمیدن اصول اساسی اکولوژی و زندگی کردن هماهنگ با این اصول است (دویلیبی، 2006). نتایج پژوهش ها حاکی از آن است که سواد زیست محیطی مستلزم درک عمیق و بنیادی نظام های دنیای طبیعت، درک روابط و تعامل های جهان زندگان و غیر زندگان و توان برخورد معقول با مسائلی است که باید با شواهد علمی، و با توجه به جنبه های اقتصادی، زیبا شناختی و اخلاقی محیط زیست با آنها روبرو شد (کرنل و ناگلی، 2009، واریسلی، 2009)

سواد سلامت؛ سواد سلامت عبارت از میزان درک اطلاعات اولیه بهداشتی برای تصمیم گیری متناسب در خصوص خدمات بهداشتی مورد نیاز فرد که شامل توانایی درک دستورالعمل های روی بطری داروی تجویز شده، بروشورهای آموزش پزشکی، فرم های رضایت نامه، توانایی استفاده از سیستم های پیچیده ی پزشکی، مهارت خواندن، شنیدن و تجزیه و تحلیل، تصمیم گیری و توانایی بکارگیری این مهارت ها در موقعیت های سلامتی که لزوماً به سال های تحصیل یا توانایی خواندن عمومی بر نمی گردد (بوهلان و همکاران¹⁰، 2004؛ توکودا¹¹ و همکاران، 2009؛ والکر و همکاران، 2010).

⁸ - Gilster

⁹ Garman & Forgue

¹⁰ -Bohlman

سواد عاطفی؛ عبارت است از "توانایی اندیشیدن، تشخیص دادن، اداره کردن و انتقال عواطف خود به طور مناسب" (لن و شوارتز¹²، 1987). این سواد در واقع یک بخش جدا و برنامه‌ریزی شده در حوزه‌ی آموزش نیست، بلکه با تمام ارکان نظام آموزشی، فرد و جامعه گره خورده است (والستون، 1992 و بورمن و همکاران، 2001) و در هر لحظه به آن نیاز داریم تا درک درستی از موقعیت داشته باشیم، زیرا این سواد چگونگی رفتار انسان‌ها را شکل داده و بر اندیشه‌ها و باورهای آنها تأثیر می‌گذارد (باستانی، گلزاری و روشنی، 1389). یونسکو نیز (2017) سواد عاطفی را توانایی برقراری روابط عاطفی با خانواده، همسر و دوستان به نحو احسن تعریف می‌کند.

سواد فرهنگی؛ سواد فرهنگی به تعریف هیرش به معنای دارا بودن آن اطلاعات پایه است که به منظور زنده ماندن در دنیای مدرن مورد نیاز است (گراف، 1989)، در واقع این سواد به شناخت "میدان‌های فرهنگی مختلف یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارند می‌پردازد (دورو و همکاران¹³، 2012).

سواد مالی؛ سواد مالی از دیدگاه افراد مختلف معانی مختلفی را در بر می‌گیرد (دیلمی و حنیفه زاده، 1394، یعقوب نژاد و همکاران، 1390). برای برخی از آنها مفهومی گسترده و ترکیبی از یک درک اقتصادی و چگونگی تصمیمات خانوار که از شرایط و اوضاع اقتصادی متأثر هستند را در بر می‌گیرد (بیمار و مورفی، 2010، برد، 2008)، در حالی که برای دیگری سواد مالی به معنای تمرکز کاملاً دقیق در مهارت‌های پایه مدیریت پول، بودجه، صرفه جویی، سرمایه‌گذاری و بیمه محسوب می‌شود (مانتیکن، 2010). از نظر کمیسیون اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری استرالیا سواد مالی عبارت است از توانایی ایجاد فضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری موثر در مورد استفاده و مدیریت پول. سواد مالی ترکیبی از آگاهی‌های مالی، دانش، مهارت، نگرش‌ها، رفتارهای لازم برای ایجاد تصمیمات مالی سالم و در نهایت دست یافتن به بهبود مالی شخصی است (برد، 2008)

با توجه به تنوع سوادهای چندگانه عصر حاضر برای تدوین برنامه‌های مدرن یادگیری مادام‌العمر در قالب این سوادها، لازم است اولویت بندی شوند تا بتوان اقدامات بعدی را بر اساس این اولویت‌ها ساماندهی کرد.

¹¹ Tokuda

¹³ Duru

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی، از حیث ماهیت توصیفی و تحلیلی و از نظر اجرا آمیخته است. همچنین جهت جمع آوری داده ها از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در مرحله اول شامل جامعه متخصصان، خبرگان و کارشناسان آشنا به موضوع تحقیق است که به منظور یافتن اولویت سوادهای چندگانه شهروندان امروز، در مصاحبه نیمه ساختاریافته ای که محتوای آن بر اساس سوادهای تعریف شده در پژوهش تعیین شده بود، انتخاب شدند، روش نمونه گیری در این جامعه به صورت شبکه‌ای (گلوله برفی) تا اشباع نظری بود.

همچنین در مرحله دوم جامعه آماری شامل کلیه اساتید گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور کشور (216 نفر) و دانشجویان حوزه یادگیری الکترونیکی دانشگاه در سال تحصیلی 96-97 جمعاً به تعداد (4515 دانشجو) است که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای از میان جامعه آماری پژوهش با استفاده از فرمول کوکران 372 دانشجو و با استفاده از فرمول تعدیل کوکران 86 استاد انتخاب شدند.

ابزار پژوهش نیز شامل دو چک لیست برای اساتید و دانشجویان بود که بر اساس مطالعه ادبیات و پیشینه و مصاحبه نیمه ساختاریافته از متخصصان تهیه شد و پس از سنجش روایی محتوایی آن توسط اساتید و خبرگان و تعیین پایایی آن (برای پرسشنامه دانشجویان 0,785 و برای پرسشنامه اساتید 0,789) برای بررسی سوادهای مورد نیاز برای آموزش مادام العمر میان اساتید و دانشجویان (نمونه آماری) توزیع گردید. همچنین به منظور پاسخ به پرسش های پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون فریدمن و تی مستقل) به کمک نرم افزار SPSS نسخه 23 استفاده شد.

یافته های پژوهش

جدول شماره 1 یافته های توصیفی پژوهش را نشان می دهد. از میان نمونه آماری اساتید 41 نفر (7/47%) از آنان زن و 45 نفر (3/52%) نیز مرد می باشند. همچنین از نظر سنی؛ 9 نفر (4/10%) از اساتید زیر 35 سال؛ 69 نفر (80%) بین 35 تا 45 سال و 8 نفر (4/9%) بالای 45 سال دارند.

همچنین درخصوص دانشجویان مورد مطالعه نیز 180 نفر (48%/4) از آنان زن و 192 نفر (51%/6) نیز مرد می باشند. همچنین از نظر سنی؛ 215 نفر (57%/8) از دانشجویان زیر 30 سال؛ 126 نفر (33%/9) بین 30 تا 35 سال و 31 نفر (8%/3) بالای 35 سال دارند.

جدول 1- توزیع فراوانی اساتید و دانشجویان

متغیر	گزینه‌ها	تعداد	درصد
جنسیت اساتید	زن	41	47/7
	مرد	45	52/3
سن اساتید	زیر 35 سال	9	10/4
	35-45 سال	69	80/2
	بالای 45 سال	8	9/4
جمع		86	100
جنسیت دانشجویان	زن	180	48/4
	مرد	192	51/6
سن دانشجویان	زیر 30 سال	215	57/8
	30-35 سال	126	33/9
	بالای 35 سال	31	8/3
جمع		372	100

بررسی سوال های پژوهش

پرسش اول: اولویت های یادگیری مادام العمر از نظر اساتید دانشگاه بر اساس سوادهای عصر حاضر (عاطفی، اطلاعاتی، مالی، رسانه ای، تربیتی، رایانه ای، فرهنگی، پژوهشی، زیست محیطی و سلامت) چگونه است؟

بر اساس آزمون فریدمن انجام گرفته جهت رتبه بندی و اولویت بندی سوادهای مورد مطالعه از دیدگاه اساتید؛ ملاحظه می گردد طبق اطلاعات جدول (2) شاخص سواد اطلاعاتی با 9/22 در اولویت اول، سواد سلامت با 8/8 در اولویت دوم، سواد مالی با 8/57 در اولویت سوم، سواد رسانه ای با 7/21 در اولویت چهارم، سواد رایانه ای با 5/5 در اولویت پنجم، سواد پژوهشی با 5/42 در اولویت ششم، سواد تربیتی با 3/86 در اولویت هفتم؛ سواد فرهنگی با 2/9 در اولویت هشتم؛ سواد زیست محیطی با 2/19 در اولویت نهم و سواد عاطفی با 1/37 در اولویت آخر قرار دارند. همچنین مطابق

جدول (3) مقدار $\chi^2 = 701/204$ با سطح معنی داری آزمون $p = 0/000$ و زیر $0/05$ این اولویت بندی معتبر می باشد. در واقع سواد اطلاعاتی بیشترین و سواد عاطفی کمترین اولویت را نزد اساتید دارا بودند.

جدول (2) رتبه بندی و اولویت بندی شاخص های دهگانه سواد از دیدگاه اساتید

میانگین رتبه	عوامل
9/22	سواد اطلاعاتی
8/8	سواد سلامت
8/57	سواد مالی
7/21	سواد رسانه ای
5/5	سواد رایانه ای
5/42	سواد پژوهشی
3/86	سواد تربیتی
2/9	سواد فرهنگی
2/19	سواد زیست محیطی
1/37	سواد عاطفی

جدول (3) نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی رتبه ها

تعداد	86
χ^2	701/204
درجه آزادی	9
P	0/000

پرسش دوم: اولویت های یادگیری مادام العمر از نظر دانشجویان بر اساس سواد های عصر حاضر (عاطفی، اطلاعاتی،

مالی، رسانه ای، تربیتی، رایانه ای، فرهنگی، پژوهشی، زیست محیطی و سلامت) چگونه است؟

بر اساس آزمون فریدمن انجام گرفته جهت رتبه بندی و اولویت بندی سواد های مورد مطالعه از دیدگاه دانشجویان؛ ملاحظه می گردد طبق اطلاعات جدول (4) شاخص سواد اطلاعاتی با $9/2$ در اولویت اول، سواد سلامت با 9 در اولویت دوم، سواد عاطفی با $8/4$ در اولویت سوم، سواد رسانه ای با $7/3$ در اولویت چهارم، سواد مالی با $5/7$ در اولویت پنجم، سواد زیست محیطی با $5/01$ با در اولویت ششم، سواد رایانه ای با $4/1$ در

اولویت هفتم؛ سواد فرهنگی با 3 در اولویت هشتم؛ سواد پژوهشی با 1/8 در اولویت نهم و سواد تربیتی با 1/5 در اولویت آخر قرار دارند. همچنین مطابق جدول (5) مقدار $\chi^2 = 3075/87$ با سطح معنی داری آزمون $0/000 = p$ و زیر 0/05 این اولویت بندی معتبر می باشد. در واقع سواد اطلاعاتی بیشترین و سواد تربیتی کمترین اولویت را نزد دانشجویان دارا بودند.

جدول (4) رتبه بندی و اولویت بندی شاخص های دهگانه سواد از دیدگاه دانشجویان

عوامل	میانگین رتبه
سواد اطلاعاتی	9/2
سواد سلامت	9
سواد مالی	5/7
سواد رسانه ای	7/3
سواد رایانه ای	4/1
سواد پژوهشی	1/8
سواد تربیتی	1/5
سواد فرهنگی	3
سواد زیست محیطی	5/01
سواد عاطفی	8/4

جدول (5) نتایج آزمون فریدمن جهت اولویت بندی رتبه ها

تعداد	372
χ^2	3075/87
درجه آزادی	9
P	0/000

پرسش سوم: تفاوت میان اولویت در سوادهای عصر حاضر (عاطفی، اطلاعاتی، مالی، رسانه ای، تربیتی، رایانه ای، فرهنگی، پژوهشی، زیست محیطی و سلامت) در بین اساتید و دانشجویان چگونه است؟

بر اساس اطلاعات جدول (7) و مطابق آزمون t -test مستقل انجام گرفته؛ برای مقایسه سواد اطلاعاتی از دیدگاه اساتید و دانشجویان سطح معنی داری آزمون $P = 0/85$ و بالای 0/05 و مقدار $t = 0/18$ می باشد. در

نتیجه فرض H_0 تایید و فرضیه تحقیق رد می شود و توجه به سواد اطلاعاتی از دیدگاه اساتید و دانشجویان یکسان است. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد سلامت از دیدگاه اساتید و دانشجویان سطح معنی داری آزمون $P=0/058$ و بالای $0/05$ و مقدار $t = 1/89$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 تایید و فرضیه تحقیق رد می شود و توجه به سواد سلامت از دیدگاه اساتید و دانشجویان یکسان است. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد رسانه ای از دیدگاه اساتید و دانشجویان سطح معنی داری آزمون $P=0/33$ و بالای $0/05$ و مقدار $t = 0/95$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 تایید و فرضیه تحقیق رد می شود و توجه به سواد رسانه ای از دیدگاه اساتید و دانشجویان یکسان است. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد فرهنگی نیز از دیدگاه اساتید و دانشجویان سطح معنی داری آزمون $P=0/28$ و بالای $0/05$ و مقدار $t = 1/08$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 تایید و فرضیه تحقیق رد می شود و توجه به سواد فرهنگی از دیدگاه اساتید و دانشجویان یکسان است.

اما نتایج این آزمون برای مقایسه سواد مالی از دیدگاه اساتید و دانشجویان با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $t = 20/25$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتایج جدول (9) نیز نشان می دهد که سواد مالی از دیدگاه اساتید با میانگین $8/56$ به صورت معنی داری بالاتر از دیدگاه دانشجویان با میانگین $5/69$ می باشد. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد رایانه ای از دیدگاه اساتید و دانشجویان با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $t = 14/22$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتایج جدول (6) نیز نشان می دهد که سواد رایانه ای از دیدگاه اساتید با میانگین $5/5$ به صورت معنی داری بالاتر از دیدگاه دانشجویان با میانگین $4/09$ می باشد. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد پژوهشی از دیدگاه اساتید و دانشجویان با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $t = 26/84$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتایج جدول (6) نیز نشان می دهد که سواد پژوهشی از دیدگاه اساتید با میانگین $5/31$ به صورت معنی داری بالاتر از دیدگاه دانشجویان با میانگین $1/79$ می باشد. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد تربیتی از دیدگاه اساتید و دانشجویان با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $t = 22/81$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتایج جدول (6) نیز نشان می دهد که سواد تربیتی از دیدگاه اساتید با میانگین $3/76$ به صورت معنی داری بالاتر از دیدگاه دانشجویان با میانگین $1/5$ می باشد.

اما نتایج این آزمون برای مقایسه سواد زیست محیطی از دیدگاه اساتید و دانشجویان با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $t=26/43$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتایج جدول (6) نیز نشان می دهد که سواد زیست محیطی از دیدگاه دانشجویان با میانگین 5 به صورت معنی داری بالاتر از دیدگاه اساتید با میانگین $2/13$ می باشد. همچنین نتایج این آزمون برای مقایسه سواد عاطفی از دیدگاه اساتید و دانشجویان با سطح معنی داری آزمون $P=0/000$ و زیر $0/05$ و مقدار $t=79/82$ می باشد. در نتیجه فرض H_0 رد و فرضیه تحقیق تایید می شود و نتایج جدول (6) نیز نشان می دهد که سواد عاطفی از دیدگاه دانشجویان با میانگین $8/39$ به صورت معنی داری بالاتر از دیدگاه اساتید با میانگین $1/37$ می باشد.

جدول (6) آمار توصیفی مقایسه دیدگاه اساتید و دانشجویان در شاخصهای دهگانه سواد

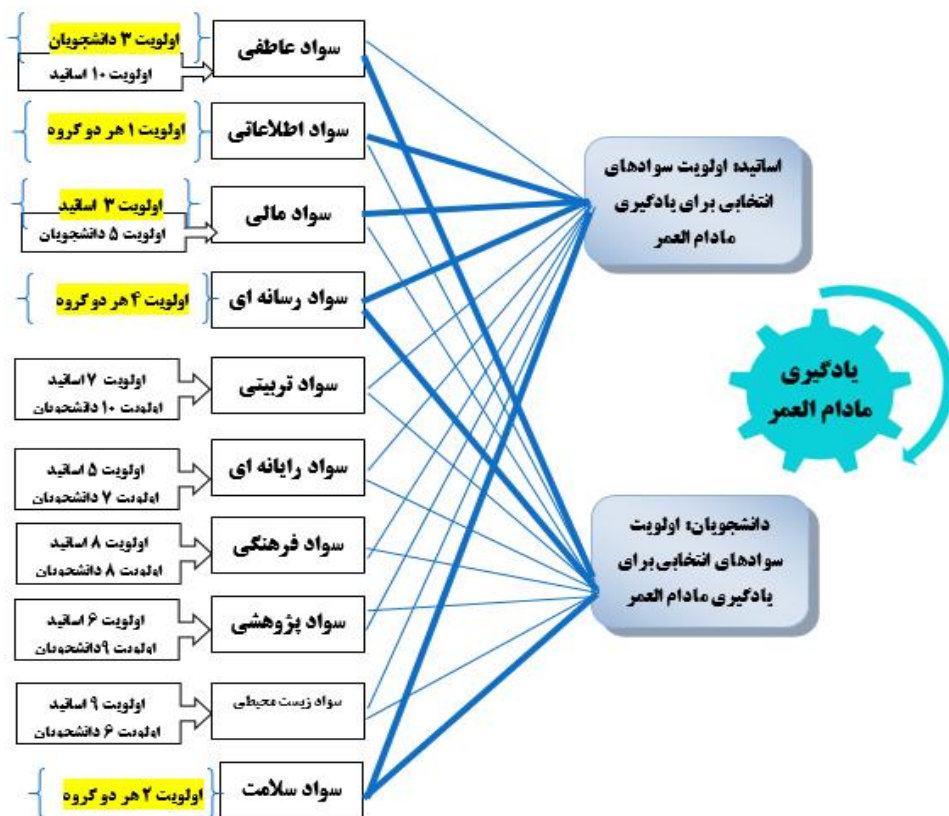
متغیرها	گروه	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سواد اطلاعاتی	دانشجویان	372	9/2	0/87
	اساتید	86	9/22	0/74
سواد سلامت	دانشجویان	372	9	0/89
	اساتید	86	8/8	0/76
سواد مالی	دانشجویان	372	5/69	0/64
	اساتید	86	8/56	1/27
سواد رسانه ای	دانشجویان	372	7/3	0/78
	اساتید	86	7/2	0/88
سواد رایانه ای	دانشجویان	372	4/09	0/82
	اساتید	86	5/5	0/79
سواد پژوهشی	دانشجویان	372	1/79	0/87
	اساتید	86	5/31	1
سواد تربیتی	دانشجویان	372	1/5	0/67
	اساتید	86	3/76	0/86
سواد فرهنگی	دانشجویان	372	3	0/63
	اساتید	86	2/89	0/84
سواد زیست محیطی	دانشجویان	372	5	0/89

0/94	2/3	86	اساتید	
1/02	8/39	372	دانشجویان	سواد عاطفی
0/65	1/37	86	اساتید	

جدول (7) نتایج آزمون مقایسه میانگین ها برای شاخصهای دهگانه سواد از دیدگاه اساتید و دانشجویان

p	t	همگنی واریانسها		متغیرها
		P	F	
0/85	0/18	0/000	15/47	سواد اطلاعاتی
0/058	1/89	0/45	0/57	سواد سلامت
0/000	20/25	0/000	234/89	سواد مالی
0/33	0/95	0/24	1/33	سواد رسانه ای
0/000	14/22	0/53	0/38	سواد رایانه ای
0/000	26/84	0/000	14/14	سواد پژوهشی
0/000	22/81	0/000	25/2	سواد تربیتی
0/28	1/08	0/000	33/7	سواد فرهنگی
0/000	26/43	0/31	1/01	سواد زیست محیطی
0/000	79/82	0/000	33/76	سواد عاطفی

همچنین شکل (1) کلیه اولویت های اساتید و دانشجویان در خصوص سواد های مورد مطالعه در یاد گیری مادام العمر را نشان می دهد:



شکل 1- مدل مفهومی اولویت های اساتید و دانشجویان

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف بررسی اولویت های یادگیری مادام العمر در قالب سواد های عصر حاضر (اطلاعاتی، پژوهشی، تربیتی، رسانه ای، رایانه ای، زیست محیطی، سلامت، عاطفی، فرهنگی، مالی) در نظام آموزش از دور انجام شد، نتایج حاصل از آزمون فریدمن جهت رتبه بندی اولویت های یادگیری مادام العمر از نظر اساتید و دانشجویان بر اساس سواد های عصر حاضر نشان داد که چهار اولویتی که اساتید دانشگاه به عنوان مهم ترین سواد های مورد نیاز خود برای عصر حاضر انتخاب نموده اند، به ترتیب عبارتند از سواد اطلاعاتی، سواد سلامت، سواد مالی و سواد رسانه ای بود در حالی که بقیه سوادها در اولویت کمتری قرار داشتند. همچنین در گروه دانشجویان نیز چهار اولویت سواد های مورد مطالعه به ترتیب عبارت است از سواد اطلاعاتی، سواد سلامت، سواد عاطفی و سواد رسانه ای.

همانگونه که ملاحظه می شود در میان چهار اولویت اول، اولویت های انتخابی در جایگاه های اول، دوم و چهارم اساتید و دانشجویان یکی است در حالی که میان دانشجویان و اساتید در اولویت های دوم تفاوت وجود دارد.

در خصوص اولویت اول ترجیحی هر دو گروه (سواد اطلاعاتی) می توان گفت از آنجایی که عصر حاضر با اطلاعات و ارتباطات گره خورده است و دسترسی به جدیدترین دستاوردهای علمی نیز از طریق سواد اطلاعاتی برای اساتید و دانشجویان امکان پذیر است، لذا این سواد در صدر اولویت های قشر دانشگاهی قرار دارد تا از قافله دسترسی به دانش به روز عقب نمانند و بتوانند بر پایه یافته های قبلی مرزهای دانش را گسترش دهند. این یافته با پژوهش های لوکارت و همکاران (2009)، سانتیاگو و همکاران (2008)، مهری (1386)، شریفی و اسلامی (1395) و بختیاری و همکاران (1394)، هم راستا است. در تبیین این یافته می توان گفت همانگونه که علی نژاد و همکاران (1390) نیز در پژوهش خود به این موضوع اشاره کرده، افزایش سطح سواد اطلاعاتی سبب افزایش مهارت های یادگیری مادام العمر افراد می شود، لذا انتخاب سواد اطلاعاتی به عنوان اولویت اول در میان سوادها از طرف دانشجویان و استادان سبب ایجاد فرصت های کسب دانش در طول عمر افراد خواهد شد.

در خصوص اولویت دوم مشترک میان هر دو گروه (سواد سلامت) نیز می توان گفت یافته ها حاکی از آن است که گفتمان سواد سلامت به عنوان دومین سواد پراهمیت در زندگی اساتید و دانشجویان است، چرا که امروز آحاد جامعه می دانند که با توجه به زندگی پراسترس امروز به ویژه در شهرهای بزرگ و نبود آب و هوای مناسب در بسیاری از نقاط کشور، همچنین نبود دسترسی به غذاهای مناسب و ارگانیک، سبب افزایش روزافزون بیماریهای مزمن و رو به رو شدن تقریباً اکثر خانواده ها به طور کم و بیش با بیماری ها شده است، لذا امروزه بزرگسالان می دانند، چنانچه بخواهند زندگی سالم تری داشته باشند و در طول زندگی خود کمتر با بیماری دست و پنجه نرم کنند نیازمند داشتن سواد سلامت هستند تا با ارتقای سطح سواد سلامت خود و خودمراقبتی بتوانند گامی رو به جلو در جهت داشتن زندگی سالم تر و جامعه سالم تر داشته باشند، نتیجه پژوهش صحرائی و همکاران (1395) نیز حاکی از آن بود که با توجه به پایین بودن سطح سواد سلامت و اهمیت نقش بزرگسالان در سلامت خود و جامعه، لازم است برنامه های آموزشی با

هدف ارتقای مهارت سواد سلامت برای آنان طراحی و اجرا گردد. همچنین نتایج پژوهش کریمی و همکاران (1392) نیز نشان داد که بزرگسالانی که سواد سلامت بیشتری داشتند، به سلامت خود بیشتر اهمیت می دادند. همچنین نتایج پژوهش کهتری و همکاران (1396) نیز نشان داد که استفاده از مداخلات آموزشی نیز بر توانمندسازی و ارتقاء سواد سلامت نمونه آماری پژوهش موثر بوده است. نتایج مطالعه ساعتچی و همکاران (1396) نیز حاکی از آن بود که گروه های سنی مسن تر که سواد پایین تری دارند از سلامت کافی برخوردار نیستند، پژوهشگران در این پژوهش گزارش نمودند که مهم ترین دلیل کاهش سلامت بزرگسالان عدم وجود آموزش های مناسب و همچنین عدم تمایل آنان برای شرکت در آموزش های مناسب به دلیل وضعیت بد اقتصادی آنان است. نتایج پژوهش مشکی و همکاران (1396) نیز نشان داد که سطح سواد سلامت برای داشتن زندگی بهتر ضروری است و کارکنان و مسئولین بهداشتی باید به ارتقاء سطح سواد سلامت بزرگسالان، در آموزش های مرتبط با سلامت توجه کافی داشته باشند.

در خصوص **سواد مالی** نتایج پژوهش نشان داد که سواد مالی از نظر اساتید دارای اولویت سوم و از نظر دانشجویان دارای اولویت پنجم است، به نظر می رسد در این زمینه با توجه به مسائل مختلف مالی و محدودیت های مالی که در کشور وجود دارد، بزرگسالان جامعه افزایش سواد مالی خود را راهی برای رهایی از سردرگمی در تصمیم های مالی و دوری از افتادن در چالش های مالی می دانند. این نتایج با یافته های یمار و مورفی (2010)، ماتیکن (2010)، برد (2008)، لوساردی و میشل (2008) همخوانی دارد.

در خصوص **سواد عاطفی** می توان گفت، نتایج آزمون فریدمن در پژوهش حاضر حاکی از آن بود که در گروه دانشجویان، داشتن سواد عاطفی دارای اهمیت بالا است چرا که این گروه از پاسخ دهندگان سواد عاطفی را به عنوان سومین اولویت خود انتخاب نموده اند، شاید یکی از دلایل آن باشد که بسیاری از دانشجویان هنوز تجربه لازم را جهت چگونگی مدیریت کردن عواطف خود کسب نکرده اند، شاید یکی دیگر از دلایل سن دانشجویان باشد، پژوهش ها حاکی از آن است که هر چه افراد به سن بالاتری داشته باشند، جهت مدیریت عواطف خود پخته تر عمل می نمایند (فرش وارد و همکاران، 2004، طهماسبیان و همکاران، 1393)، اما هر چقدر افراد در جامعه بیشتر مرادده داشته اند، سواد عاطفی بیشتری را در تجربیات غیررسمی خود دارند.

این در حالی است که در گروه **اساتید**، داشتن سواد عاطفی در رده دهم اهمیت قرار داده شده است، شاید یکی از دلایل آن باشد که در قشر اساتید به دلیل اینکه شغل هیات علمی شغلی اجتماعی است و فرد دائماً با جامعه دانشجویان، اساتید و

... در تماس است، این تجربیات و دانش برای اساتید در مدت زمان کوتاه تری حاصل می شود و این افراد معمولاً می توانند در زمان مناسب واکنش مناسب تری را به موقعیت های مختلف ارائه دهند، این یافته با نتایج پژوهش های (بورمن و همکاران، 2001، واتسون و همکاران، 1988 و پرو و اسپکتور، 2002) که نشان داد، داشتن سواد عاطفی سبب بروز حالات و خلق و خواهی مناسب در زمان مناسب و واکنش مناسب در افراد می شود، همخوانی دارد.

در تبیین این یافته ها می توان گفت به نظر می رسد داشتن سواد عاطفی به افراد (دانشجویان و اساتید) کمک می کند تا احساسات و هیجانات را به نفع خود به کار گیرند و نگذارند هیجانات علیه آنها وارد میدان شوند. در واقع سواد عاطفی روابط مبتنی بر عشق و دوستی را در میان مردم خلق می کند، همکاری و تعاون را ممکن می سازد و موجب تسهیل جریان احساسات در جامعه می شود.

بنابراین اینکه اساتید داشتن سواد عاطفی را در درجات آخر اهمیت قرار می دهند، احتمالاً می تواند به این دلیل باشد که اغلب اساتید می دانند عواطف و هیجانات خود و دیگران حاوی چه چیزی هستند؟ چه قدرتی دارند؟ و چه عواملی آنها را به وجود می آورد؟ بنابراین قادر هستند عواطف و احساسات خود و دیگران را درک کرده، کنترل و اداره نمایند همچنین دانشجویان نیز می توانند با تکمیل بیشتر سواد عاطفی خود یادگیرند که چگونه احساسات خود را در زمان و مکان مناسب ابراز نموده و دیگران را تحت تاثیر قرار دهند.

در خصوص سواد رسانه ای نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سواد رسانه ای در هر دو گروه اساتید و دانشجویان اولویت چهارم را به خود اختصاص داده است، شاید یکی از دلایل آن باشد که با توجه به تنوع رسانه ها در دنیای کنونی درک پیام های رسانه ای و شیوه رفتار با رسانه به دانش و مهارت های خاصی نیاز دارد و در بیانی دقیق تر، عبارت است از مهارت تفکر استدلالی و نقاد به نحوی که مخاطب بتواند درباره محتوای دریافت شده قضاوتی مستقل داشته باشد (ارجمندی، 1384) بنابراین با توجه به مطالب فوق، داشتن سواد رسانه ای یکی از چهار اولویت مهم اساتید و دانشجویان است تا بتوانند با برخورداری از آن به هنگام مواجهه با رسانه های مختلف به انتخاب مناسب پیام پرداخته و در فهم و تفسیر متون آن بکوشند. نتایج پژوهش های چن (2007)، وایت ورت (2013) و ویلسون (2012)، نیز این یافته ها را تأیید می کند.

همچنین رسانه های دیجیتالی در تحول خود در طول زمان، تبدیل به عوامل قدرتمندی شده اند که به صورت سنتی در محیط چاپی وجود ندارند، اما قابلیت هایی مانند تعامل، غیرخطی بودن، فوری بودن دسترسی به اطلاعات و همگرایی متن و تصویر، شنیدار و دیدار را نیز ارائه می کنند که برای مخاطبان بزرگسال دارای جذابیت های فراوانی است.

نتایج پژوهش نشان داد که اساتید داشتن **سواد تربیتی** را اولویت هفتم و دانشجویان آن را اولویت دهم خود انتخاب نموده اند، شاید یکی از دلایل آن باشد که امر تربیت در جامعه ما به نظر امری تصادفی است و بزرگسالان ما ارج چندانی به آن نمی دهد چرا که نقش تربیت در نهادهای رسمی، غیر رسمی و خانوادگی چندگانه است، بنابراین به نظر می رسد که عدم یکدست بودن سیاست های تربیتی در کل جامعه سبب کم توجهی بزرگسالان به این امر می شود، اما در هر صورت داشتن سواد تربیتی از آن جهت حائز اهمیت است که تحول هر جامعه ای در گرو تحول در نظام تعلیم و تربیت آن جامعه است و این امر تنها زمانی میسر خواهد شد که کارگزاران اصلی آن یعنی بزرگسالان جامعه از شایستگی ها و توانمندی های لازم برای تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جامعه برخوردار باشند.

این یافته ها با نتایج پژوهش های طالب زاده و همکاران (1391)، تاج آبادی و همکاران (1394) و فینستین (2006) مبنی بر اینکه داشتن سواد تربیتی در تربیت فرزندان اهمیت زیادی دارد همخوانی دارد.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که **اساتید سواد رایانه** ای را در اولویت پنجم خود قرار داده اند، شاید دلیل آن باشد که اساتید دائماً نیازمند استفاده از فناوری رایانه ای برای به روز رسانی دانش خود، یافتن منابع متعدد جدید و انتشار یافته های خود هستند، نتایج پژوهش بابا رضایی کاشانی (1380) نیز حاکی از آن بود که اکثریت اعضای هیات علمی برای انجام امور شغلی خود مانند کسب اطلاعات روزآمد و انجام کارهای پژوهشی از رایانه استفاده می کنند، در حالی که دانشجویان اولویت سواد رایانه ای را اولویت هفتم خود انتخاب نمودند که شاید یکی از مهم ترین دلایل آن باشد که امروزه بسیاری از دانشجویان بدون تلاش و با پرداخت پول، خدمات رایانه ای مورد نیاز خود را تامین می نمایند، این افراد بیشتر وقت خود را به جای استفاده از رایانه در گوشی تلفن همراه خود می گذرانند، این نتایج با یافته های پژوهش والاس و کلاریانا (2005) مبنی بر اینکه دانشجویان سواد رایانه ای کمتری نسبت به اساتید دارند همخوانی دارد، که البته به نظر می رسد آنها در نهایت برای انجام پروژه های دانشجویی خود، در طول زمان تحصیل به سطح بالاتری از سواد رایانه ای دست می یابند.

نتایج پژوهش حاضر **در خصوص سواد فرهنگی** حاکی از آن بود که برای هر دو گروه اساتید و دانشجویان سواد فرهنگی در جایگاه هشتم اولویت قرار داشت، در حالی که امروز اغلب ما به کم رنگ شدن مباحث فرهنگی اذعان داریم، اما در زمینه یادگیری مادام العمر آن را در جایگاه چندان ارزشمندی نمی دانیم، این نتایج با یافته های پژوهش رومیانی (1394) مبنی بر کم رنگ شدن فضای تسامح، تساهل و مدارای بیشتر، همچنین درک و دیالوگ آزاد بین هویت های اجتماعی، قومی، و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران کم رنگ شده است، همخوانی دارد. در تبیین این یافته ها می توان گفت که متاسفانه در جامعه ما درک و احترام به فرهنگ خود و خرده فرهنگ های کشور زیاد مورد توجه قرار نمی گیرد، شاید تهاجم فرهنگی عامل مهمی در این زمینه باشد. امروزه به ویژه در شبکه های اجتماعی شاهد ارائه انواع فکاهی ها در خصوص فرهنگ های مختلف هستیم و گویا حساسیت همه جامعه نسبت به فرهنگ غنی ما کمتر شده است. در واقع آنچه که امروز اتفاق افتاده را شاید بتوان در قالب فرهنگی منفی نام برد، این تقاضای فرهنگی به وضعیتی اشاره دارد که در آن بیشتر بخش های مردم مخاطبان، نه تنها، نسبت به محصولات فرهنگی خود تقاضا ندارند بلکه در برخی از موارد نیز در مورد آن موضع منفی می گیرند.

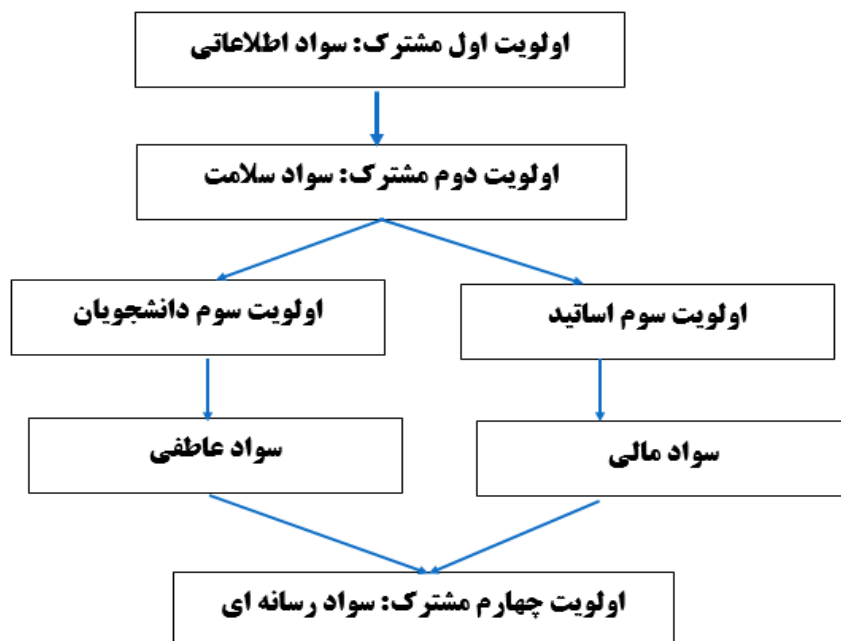
نتایج پژوهش نشان داد که **داشتن سواد پژوهشی جزو اولویت** ششم اساتید است در حالی که دانشجویان داشتن سواد پژوهشی را به عنوان اولویت نهم خود انتخاب نموده اند، در تبیین این یافته ها می توان گفت که در سالهای اخیر به ویژه در میان دانشجویان دانشگاه های مختلف شاهد آن هستیم که بسیاری از آنان با پرداخت پول، پژوهش هایی را از بازار خریداری کرده و به استاد در قالب پروژه های دانشجویی یا پایان نامه و مقاله ارائه می دهند در حالی که اگر در خصوص آن پروژه ها از آنها سوال شود، معمولاً نمی توانند به طور واضح در خصوص نحوه انجام کار توضیح دهند، همین امر سبب می شود تا سواد پژوهشی آنها رشد مناسبی نداشته باشد و به ویژه پس از فراغت از تحصیل نتوانند از عهده مسئولیت های پژوهشی مرتبط با رشته و شغل خود برآیند و نکته جالب تر آن است که برخی از آنها از مقطع کارشناسی به مقطع ارشد و دکتری می روند و همچنان با پرداخت هزینه، پژوهش هایی را خریداری می کنند، بنابراین به نظر می رسد آرام آرام جریانی در حال شکل گیری است که بر اساس آن افراد روز به روز مسئولیت توجه به سواد پژوهشی خود را بر عهده دیگران می گذارند و جامعه با شیب ملایمی به سمت عدم توجه به سواد پژوهشی حرکت می کند، اتفاق دیگری که در حال شکل گیری است آن است که به دلیل نداشتن سواد پژوهشی، افراد جامعه به هنگام رویارویی با مشکلات فردی، شغلی و خانوادگی نیز به دلیل عدم داشتن سواد پژوهشی نمی توانند مسائل خود را بررسی

نموده و آنها را حل نمایند. بنابراین یافته های حاضر با نتایج پژوهش های ساکی (1392) و دهقان و همکاران (1395) درخصوص نیاز هر چه روزافزون تر قشر دانشجو به داشتن سواد پژوهشی همخوانی دارد.

با توجه به آنچه ذکر شد نتایج پژوهش نشان داد که اساتید **سواد زیست محیطی را اولویت نهم** و دانشجویان آن را به عنوان اولویت 6ام انتخاب نموده اند، شاید یکی از دلایل آن باشد که در کشور ما هنوز اهمیت توجه به محیط زیست به عنوان یک مولفه توسعه پایدار چندان مورد توجه واقع نمی شود و کمبود آموزش های مرتبط با محیط زیست و کمبود بودجه های آموزشی و همچنین حساسیت پایین افراد نسبت به برخورد با محیط زیست سبب شده تا با وجود آلودگی های فراوانی که در کشور مشاهده می شود، اما افراد برای داشتن سواد لازم جهت برخورد مناسب با محیط زیست خود احساس نیاز نکنند، بنابراین به نظر می رسد آموزش مادام العمر محیط زیست می تواند از طریق دلبستگی افراد به محیط زیست، نسل آینده را در مواجهه با مشکلات زیست محیطی آماده سازد. این یافته ها با نتایج پژوهش های پورنجف (1395)، کارپا (2008)، تسکین (2009)، واریسلی (2009) و سلطانی (1389) همخوانی دارد.

در نهایت با توجه به هدف پژوهش حاضر که بر روی سوادها در یادگیری مادام العمر تاکید داشت، شکل (2) بر چهار اولویت اصلی مورد توافق اساتید و دانشجویان درخصوص سوادهای مورد مطالعه را نشان می دهد:

شکل 5-1: چهار اولویت اول مورد توافق



فهرست منابع:

- ارجمندی، غلامرضا (1384). گفت و گو: سواد رسانه ای، رشد آموزش علوم اجتماعی، شماره 27، ص 4-9
- بابارضایی کاشانی، لیلا (1380). بررسی میزان استفاده و رضایت اعضای هیئت علمی دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی از اینترنت. پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- بختیاری، لیلا، قدم پور، عزت اله، بختیاری، منصوره، سادین، علی اکبر (1393). مقایسه میزان سواد اطلاعاتی و مهارت های اجتماعی دانش آموزان تحت آموزش از راه دور و آموزش سنتی، فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، دوره 4، 3 (پیاپی 15)، بهار 1393، صفحه 49-69
- باستانی، سوسن، گلزاری، محمود، روشنی، شهره (1389). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مجله بررسی مسائل اجتماعی
- پریرخ، مهری (1386). آموزش سواد اطلاعاتی: مفاهیم، روشها و برنامه ها. تهران: کتابدار.
- پورنجف، عبدالله (1395). بررسی وضعیت عوامل زیست محیطی در ارتباط با سلامت جامعه شهری ایلام، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، جلد 15، شماره 3، صفحات 49-57.
- تاج آبادی هرات، جعفر، کارگریان مروسی، طیبه (1394). نقش سواد والدین و آموزش خانواده بر شیوه های فرزند پروری و تربیت دانش آموزان، همایش بین المللی روانشناسی و فرهنگ زندگی در سال 1394
- دیانتی دیلمی، زهرا، حنیفه زاده، محمد (1394). بررسی وضعیت سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره 8، شماره 26، صفحه 115-139
- رومیانی، فاطمه (1394). تاثیر سواد فرهنگی بر جامعه ی دانایی محور، کنفرانس سراسری دانش و فناوری علوم تربیتی مطالعات اجتماعی و روانشناسی
- ساکي، رضا (1392). دانش معلمان درباره پژوهش و نیاز آنان به آموزش و پرورش، پژوهش های آموزش و یادگیری (دانشور رفتار)، دوره 20، شماره 3، 22-119-132.

ساروخانی، باقر و رضایی قادی، خدیجه (1391). اینترنت و هویت ملی در میان کاربران. فرهنگ ارتباطات، 2(5)، 51-7

سلطانی، مسعود (1389). بررسی میزان تاثیر آگاهی زیست محیطی دانش آموزان نسبت به انجام فعالیتهای حفاظت از محیط زیست در هنگام سفر. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی، تهران: دانشگاه پیام نور تهران.

ساعتچی، محمد و همکاران (1396). سواد سلامت و عوامل موثر بر آن: یک مطالعه مبتنی بر جمعیت جزیره هرمز، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران؛ تابستان 9316، دوره 93، شماره 2: صفحات 936-944.

شریفی، اصغر، اسلامیه فاطمه (1395). مقایسه شاخص های رفتار شهروندی سازمانی از دیدگاه سه گروه فعال در دانشگاه آزاد اسلامی، همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی، تهران

صحرايي، مهدی و همکاران (1395). بررسی سواد سلامت در بزرگسالان شهر کرج، فصلنامه سواد سلامت، دوره اول، شماره چهارم، زمستان 1395.

طهماسیان، حجت اله، خزایی، حبیب اله، عارفی، مختار، سعیدی پور، مهشید، حسینی، سیدعلی (1393). هنجاریابی آزمون مقیاس کنترل عواطف، ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال هیجدهم، ششم.

طالب زاده نوبریان، محسن، کاظمی، اکرم، موسوی، سیدحسین (1391). تاثیر میزان سواد و آگاهی بر نگرش تربیتی مادران درباره تربیت اجتماعی نوجوانان شهر تهران، مجله مطالعات روانشناسی تربیتی، دوره 9، شماره 15، تابستان 1391، صفحه 126-142.

علی نژاد، مهرانگیز، سرمدی، محمدرضا، زندی، بهمن، شبیری، سیدمحمد (1390). سطح سواد اطلاعاتی و نقش آن در فرایند آموزش یادگیری الکترونیکی دانشجویان، تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی، دوره 17 شماره 2 صفحات 337-371

[http://irunesco.org/images/stories/modified%20%20report-11-1391-کمیسیون ملی یونسکو، بهمن 1391-\(14%20feb13%20farsi-finalmo.pdf](http://irunesco.org/images/stories/modified%20%20report-11-1391-کمیسیون ملی یونسکو، بهمن 1391-(14%20feb13%20farsi-finalmo.pdf)

کهنتری، میترا، فرمان بر، ربیع الله، کسمایی، پریسا، امیدی، سعید (1396). بررسی تاثیر مداخله آموزشی به سطح سواد سلامت دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه، فصلنامه سواد سلامت، دوره دوم، شماره 3.

کریمی، سعید، کیوان آرا، محمد، حسینی، محسن، جعفریان، مرضیه، خراسانی، الهه (1392). سواد سلامت، وضعیت سلامت عمومی، بهره مندی از خدمات سلامت و رابطه بین آن ها در بزرگسالان، مدیریت اطلاعات سلامت، دوره 10، شماره 6، 127-150.

گل محمدی، احمد (1383). جهانی شدن فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.

مزیانی، کاظم (1393). بررسی رابطه استفاده از شبکههای اجتماعی مجازی و هویت دینی کاربران. مجله ره آورد نور، 13(46)، 22-3.

مشکی، مهدی، میرزانی، مرجان، خوارزمی، اکرم (1396). ارتباط سواد سلامت با کیفیت زندگی و برخی عوامل جمعیتشناختی در زنان باردار: یک مطالعه مقطعی، فصلنامه سواد سلامت / دوره دوم، شماره چهارم، زمستان 1396.

محمدی پویا، سهراب، دهقان، مرضیه (1395). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی با فلسفه آموزشی و کیفیت زندگی کاری دانشجو معلمان (مطالعه موردی دانشگاه تهران). نوآوری های مدیریت آموزشی، سال یازدهم، شماره چهارم (مسلسل 44). پاییز

وب سایت یونسکو، آبان 1396

<http://fa.unesco.org/%DB%8C%D8%A7%D8%AF%DA%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C-%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%A7%D9%85%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%85%D8%B1/>

یعقوب نژاد، احمد، نیکومرام، هاشم، معین الدین، محمود (1390). بررسی تاثیر سواد مالی سرمایه گذاران در اوراق بهادار، فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، دوره 4، شماره 13، ص 127-150

Bohlman LN, Panzer AM, Kindig DA (2004). Health literacy: a prescription to end confusion. Washington (DC): National Academies Press; 2

Borman, W. C., Penner, L. A., Allen, T. D., & Motowidlo, S. J. (2001). "Personality predictors of citizenship performance". International Journal of Selection and Assessment, 9: 52-69.

Bird, S 2008. Financial literacy among university students , An Australian case study. University of Wollongong: Available at: <http://ro.uow.edu.au/theses/112>.

Borman, W. C., Penner, L. A., Allen, T. D., & Motowidlo, S. J. (2001). "Personality predictors of citizenship performance". International Journal of Selection and Assessment, 9: 52-69.

Cochran Marilyn -Smith, Susan L. Lytle (1992). Inside/Outside: Teacher Research and Knowledge, Teacher college Press

Chen, G. (2007). Media (Literacy) Education in the United States . China Media Research , 3 (3), 34-40 available at: http://digitalcommons.uri.edu/com_facpubs

Capra, F . (2008). “The New Facts of Life: Linking Food, Health, and the Environment”. at <http://www.ecoliteracy.org/article/new-facts-life>.

Duailibi, M. (2006). Ecological literacy: What are we talking about? *Convergence*, 39(4), 65-68.

Duru, O E Bulut and S Yoshida (2012). A fuzzy extended DELPHI method for adjustment of statistical time series prediction: An empirical study on dry bulk freight market case. *Expert Systems with Applications*, 39(1):840-848.

Deng WJ, Yeh ML, Sung ML (2013). A customer satisfaction index model for international tourist hotels: integrating consumption emotions into the American customer satisfaction index. *Int J Hosp Manag.* 2013;35:133–140. doi: 10.1016/j.ijhm.2013.05.010. [Cross Ref]

Freshwater D, Stickley T. The heart of the art: Emotional intelligence in nurse education. *Nurse Inq.* 2004; 11(2): 91-8.

Feinstein I & Sabates Ricardo.(2006).Does education have an impact on mothers' educational attitudea an behaviours? *Journal of consulting and*

psychology.(5),1926 – 1930

Gibson, I (2008).Designing learning communities in the twenty-first century, springer science.

Garman , E.T. &Forgue ,R.E. (2000) ,Personal finance, (6thed.) .Boston: Honunhton

Gilster, P (2007). Digital literacy, John Wiley & Sons, Inc. New York, NY, USA

Graff, H.J (1989). Critical Literacy versus cultural Litracry-Reading signs of the times? *The University of Texas at Dallas*, Volume 20, Issue, 1.

HKreber C, Mhina C (2005). Just plain rhetoric? An analysis of mission statements of Canadian universities identifying their verbal commitments to facilitating and promoting lifelong learning. *Can J Univ Cont Educ.* 2005;31(1):51-86.

Krnel, D., & Nagli, S. (2009). Environmental literacy comparison between eco-schools and ordinary schools in Slovenia. *Science Education International*, 20(1/2), 5-24.

Lane, R,D & Schwartz, G.E (1987). Levels of emotional awareness: Cognitive-Development theory and its application to psychology. *American Journal of Psychiatry*, 144, p.133-143.

Lockhart De & smith AJ (2009) An evaluation of a pilot study of web-based educational initiative for educating and training under gradual dental students in infection prevention , *British dental Journal*

207(5) :223-6,2009 sep 12, available at: <http://www.labmeeting.com/papers/author/Lockhart-d>.
Lusardi, A. and Mitchell, O.S., 2008, "Planning and financial literacy: how do women fare?",

American Economic Review, No. 98, pp. 413–417

Marzano, Robert J. & Jana S Marzano, Debra J. Pickering;(2003). Classroom Management that Works: Research-Based Strategies for Every Teacher, Association for Supervision and Curriculum Development

Mongelli, A (2010).Lifelong learning and innovation, italian journal of society of education, No.3.

Marks A. A (2007) "grown up" university? Towards a manifesto for lifelong learning. J Educ Policy.17(1):1-11.

Monticone, C (2010). How much does wealth matter in the acquisition of financial literacy?. The Journal of consumer Affairs, 44(2):403 – 422.

Nesbit T. (2005). Realizing lifelong learning in institutions of higher education. Montreal; American Educational Research Association Conference.

Özkan T, Lajunen T, Doğruyol B, Yıldırım Z, Çoymak A (2012). Motorcycle accidents, rider behaviour, and psychological models. Accident Analysis & Prevention.49:124-32.

Perrewé, P. L., & Spector, P. E. (2002). "Personality research in the organizational sciences". Research in Personnel and Human Resources Management, 21: 1-64.

Sampaio, R. (2008). "Educar, ensinar e aprender a distância na era digital: princípios básicos". proceedings of the X simpósio Internacional de Informática Educativa. 03-05 October 2008. Salamanca, pp: 145-150.

Santiago, P & ET all (2008), Tertiary Education for knowledge society, special features: governance, funding, quality. OECD. Volume 1.

Taskin, O. (2009) "The Environmental Attitudes of Turkish Senior High School Students in the Context of Postmaterialism and the New Environmental Paradigm", International Journal of Science Education , 4: 481-502.

Tokuda Y, Doba N, Butler JP, Paasche-Orlow MK. Health Literacy and Physical and Psychological Wellbeing in Japanese Adults. Patient Educ Couns 2009; 75(3): 411-7.

Varisli, T. (2009). Evaluating eighth grade students' environmental literacy: The role of socio-demographic variables. Masters thesis, The Department of Elementary Science and Mathematics Education, Middle East Technical University, Turkey.

Van de Vord, Rebecca (2010). Distance students and online research: Promoting information literacy through media literacy.

Wallace, P. and Clariana, R. B. (2005). Perception versus reality-determining business students' computer literacy skills and need for instruction in information concepts and technology. *Journal of Information Technology Education*, 4, 141-151

World Health Organization. Closing the gap in a generation: Health equity through action on the social determinants of health: Commission on Social Determinants of Health - final report, Geneva: World Health Organization, 2008

Watson, D., Clark, L. A., & Tellegen, A. (1988). "Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS scales". *Journal of Personality and Social Psychology*, 6: 1063-1070.

Whithworth A. (2012). The design of media and information literacy. *Proceeding of the International Conference on Media and Information Literacy for Knowledge Societies*. Moscow, Russian Federation.

Walker J, Pepa C, Gerard PS (2010). Assessing the Health Literacy Levels of Patients Using Selected Hospital Services. *Clin Nurse Spec* , 24(1): 31-7.

Wallston, K. A. (1992). Hocus-pocus, the focus isn't strictly on Locus: Rotter's social learning theory modified for health. *Cognitive Therapy and Research* , 16, 183-99.

Whitworth, A., et al., (2013). The design of Media and Information Literacy. Paper presented at the International Conference on Media and Information Literacy for Knowledge Societies, Moscow, Russian Federation.

Wilson, C. (2012). Media and Information Literacy: Pedagogy and Possibilities. *Comunicar*, 20(39),15-22.

Yetmar, S., Murphy, D. (2010). Personal Financial Planning Attitudes - A Study. *Management Research Review/ Emerald Publications*, 33(8), pp . 811 – 817.

Life-long learning priorities in the form of the current era Literacies from the perspective of Faculty members and students

Abstract: The aim of this study is to investigate the priorities of lifelong learning in the context of current era Literacies (informational, research, educational, media, Computer, environmental, health, emotional, cultural, and financial). This research is descriptive and analytical in terms of its purpose, and was implemented in a mixed way (interview and scrolling). The statistical population included all faculty members of Payam-e-Noor University and e-learning students of this university in the academic year of 96-97, 372 students and 86 faculty members were selected by stratified random sampling. In the first step, after studying the literature and background and conducting a semi-structured interview, the experts from the educational system of the current era were extracted, and then in the second step, two special checklists for the Faculty members and students

were distributed. The results of Friedman's test showed that both faculty members and students were selected information literacy jointly as their first priority, then health literacy was ranked second, students selected emotional literacy as the third grade, while Faculty members' financial literacy was ranked third. In the fourth place, faculty members and students also chose media literacy together. Also, the results of independent t-test for comparing the study subjects from the viewpoint of faculty members and students showed that there is a difference in financial, computer, research, educational, The study showed that in view point of faculty members the financial, computer, research and educational Literacies significantly more important than students while in view point of students environmental, and emotional Literacies significantly more important than faculty members, also for other Literacies We did not find any difference; in the end, a conceptual model was proposed to prioritize the learners from the viewpoint of students and faculty members.

Keywords: Lifelong learning, faculty members, student, literacy